

تخمیس شاه غزلی از حافظ،

سروده نابی، شاعر شهیر ترک

علی محدث

کتابخانه اوپسالا، سوئد

چکیده

در این مقاله، به طور مختصر به معرفی شاعر مشهور ترک، یوسف بن عبدالله

رهاوی متخلص به نابی (متوفای ۱۱۲۴ هـ)، پرداخته شده است. از این شاعر، دیوان

شعری به زبان ترکی و فارسی بر جای مانده که اشعار فارسی او در میانه اشعار ترکی اش

قرار گرفته است. اشعار فارسی این شاعر از ۶۱۰ بیت بیشتر نیست. با توجه به برخی از

اشعار نابی، تردیدی نیست که این شاعر شیعی مذهب بوده است. در پایان مقاله،

به عنوان نمونه شعری، تخمینی که از شعر حافظ انجام داده، ذکر شده است.

یوسف بن عبدالله رهاوی متخلص به نابی (متوفای ۱۱۲۴ هـ)، شاعر مشهور

ترک است، از ترکان عثمانی؛ که دیوان ضخیمی به ترکی دارد. شعر ترکی او لطیف

است و مورد قبول ادبا و دانشمندان ترک.

این جانب، که از چند سال پیش به نوشتن فهرستی برای نسخه‌های خطی

فارسی کتابخانه دانشگاه اوپسالا (سوئد) سرگرم بوده‌ام، در ضمن کار خود به دو

نسخه از دیوان شعر نابی برخوردم^(۱)، و علت آشنایی من با نابی همین است.

۱- طرازی در فهرست خود نسخه‌ای از دیوان نابی را در قاهره نشان می‌دهد (ج ۱، ص ۱۸۹) و

احمد منزوی در گنج شایگان خود، یعنی فهرست نسخه‌های خطی فارسی (ص ۲۵۵۸) گفته او

را بازگو کرده است.

درباره آن دو نسخه چند کلمه‌ای در این جا سخن می‌گویم و تفصیل را احاله می‌دهم به همان فهرست که امیدوارم توفیق چاپش را بیابم.

۱- نسخه شماره ۵۷۱.۸۶، به خط عبدالکریم جواهرزاده در سال ۱۱۸۱ هـ در ۳۳۹ برگ (۱۷-۱۵ سطری) به قطع ۱۵×۵/۲۰ سانت و اشعار فارسی از برگ ۲۵۶-۲۷۶.

۲- نسخه شماره ۷۳. Onov. بی تاریخ و بی نام کاتب. اما نسخه آراسته زیبایی است با جلد لاک‌ی و در قابی محفوظ. به خط نستعلیق شکسته آمیز و نوشته شده در همان سده ۱۲ یا اوائل سده ۱۳. نسخه احتمالاً برای یکی از رجال آن دوره کتابت شده است در ۳۱۱ برگ (۲۵ سطری) به قطع ۱۳/۵×۲۴ سانت، و اشعار فارسی از برگ ۷۳-۸۵.

نابی و شعر فارسی او

چنان که از نسخه‌ها ملاحظه می‌شود، نابی دیوان اشعار فارسی خود را در میانه دیوان ترکی، چون گوهری در ذرّجی، قرار داده است. هر دو نسخه که در پیش روی نگارنده است به همین شکل است؛ بنابراین تنظیم کتاب و تبویب آن به این شکل از خود نابی است نه سلیقه کاتبان. دیوان فارسی او بر حسب حروف الفبای رّوی مرتب شده و آغاز و انجام اشعار هر دو نسخه یکی است.

آغاز دیوان فارسی

یارب آینه نما کن ورق خلقت ما تا بسینیم درونیک و بد طینت ما
هر که آید گل دلخواه مهیا یابد وسعت آن مرتبه دارد چمن صحبت ما

انجام دیوان فارسی

مصرع ثانیست درست آمد طبق بر طبق مقتضای سخن
راست آمد به سال تاریخش آن فرو آمدی به جای سخن
دانستن زبان فارسی و با آن زبان گفتن و نوشتن برای ادبا و سیاستمداران

دولت عثمانی مباحثاتی محسوب می شده است و بسیاری از ادبای آن سرزمین به دانستن فارسی فخر می ورزیده اند و آن را به گونه ای جلوه می داده اند. نابی نیز که زندگی مرفه‌ی داشته و فارسی را آموخته بوده است - یا شاید از نژاد ایرانی بوده و می دانسته - به فارسی و از روی تفنن شعر می سروده است.

اما نباید انتظار داشت که شعر او امروزه برای ما درخششی داشته باشد و ما بتوانیم آن را با شعر بزرگان ادب فارسی مقایسه کنیم. مقایسه‌ای نادرست است. ما از این نظر به شعر نابی و امثال او نمی نگریم؛ شعر امثال نابی ما را کمک می کند تا بتوانیم تاریخ و اقتدار زبان فارسی را در سرزمینهای همجوار و دوردست ایران از نظر تاریخی و ادبی و اجتماعی مورد مطالعه قرار دهیم.

شعر فارسی نابی هرگز به پای شعر ترکی او نمی رسد. او در زبان ترکی شاعری نیرومند است؛ اما شعر فارسی او نیز جالب است و در خور بررسی و پژوهش.

چنان که گذشت دیوان شعر فارسی نابی ۲۰ برگ، یعنی ۶۰۰ بیت شعر است. جز آن بخش اشعار فارسی در هر دو نسخه، تک بیت‌های فارسی و اشعار ملمع فارسی - ترکی در همه جای دیوان او دیده می شود. در اشعار فارسی و ترکی جز اینها در آغاز دیوان ترکی او نیز پنج چکامه به فارسی وجود دارد، که چهار قصیده از آنها در مدح پیامبر و پنج‌جمله در مدح امام علی بن ابی طالب (ع) است.

اندیشه نابی

اینک نظری اجمالی به دیوان ترکی او می افکنیم تا بیشتر با فکر او آشنا شویم. دیوان ترکی نابی مشتمل است بر قصائد فراوان در مدح پیغمبر؛ یک قصیده در مدح چهاریار، و قصائد دیگر در مدح محیی الدین عربی، سلطان محمد غازی، محمد پاشا وزیر اعظم، شاهان و وزرا و شاهزادگان عثمانی. مثنوی گلشن دولت، مثنوی معراجیه در معراج پیامبر، مثنوی خیرآباد یا داستان خرمشاه که در سال ۱۱۱۶ سروده، ماده تاریخ ساختمان مساجد و مدارس، از جمله تاریخ تعمیر گنبد

حضرت مولانا «جلال الدین بلخی» و آخرین مثنوی نصیحت نامه است خطاب به فرزندش ابوالخیر محمد چلبی با آغاز:

جذبه آب و هوا اولدی سبب اولدی آرامگهم شهر حلب
 بررسی دیوان نابی نشان می دهد که او به عرفان و عرفا علاقه مند بوده است. از نظر تفکر مذهبی در سراسر دیوان او یک قصیده به ترکی در مدح چهار یار موجود است با مضامین عادی ستایشگرانه در مدح ایشان. اما یک چکامه به فارسی نیز در مدح علی (ع) سروده است با مطلع:

کس پی نبرد در شرف رفعت علی جز حضرت محمد و جز حضرت علی
 از جمله در این قصیده می گوید:

پوشیده نور ذات ازل جامه ظهور در صورت محمد و در صورت علی....
 پر نور شد ظهور و بطون جهانیان از صفوت محمد و از صفوت علی
 نابی ز هول غم که رها می کند ترا جز رأفت محمد و جز رأفت علی
 این افکار - که در همه قصیده بر همین روال است - جز از ذهن یک نفر شیعی نمی تواند تراوش کند، و از آنچه گذشت تردیدی باقی نمی ماند که نابی، شیعی بوده است.

تخمیس شاه غزلی از حافظ

پس از نظری به دیوان فارسی نابی، خواستم لطیف ترین شعر او را برای خواننده ارجمند انتخاب کنم، تخمیس حاضر به نظرم آمد:

خسته بودم که علاج از نسما تم دادند بسته بودم که خلاص از هفواتم دادند
 تشنه بودم قدح از نیل و فراتم دادند دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
 و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

چه دم عیش و صفا بود و چه وقت طربی
 که شد آلوده گلخند ابد بسته لبی
 یافتم چشمه امید به وفق طلبی
 چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

این چه گلهاست که شاخ نفسم انگیزد

این چه خرماست که از نخل قلم برخیزد

این چه اجزاست که پرویزن طبعم بیزد

این همه شهد و شکر کز سخنم می ریزد

اجر صبریست کز آن شاخ نباتم دادند

دیدم ارچهره مقصود به شه راه طلب

چیدم ارغنچه امید به گلزار ادب

یافتم کام دل اربی مدد رنج و تعب

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب

مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

همه نابی اثر تربیت پیران بود

همه تأثیر نظر بخشی درویشان بود

از اثرهای کلید نظر مردان بود

همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود

که زیند غم ایام نجاتم دادند

مقدمه

موضوع رابطه علم خداوند و آزادی انسان، از موضوعات پیچیده فلسفی

است؛ یعنی آیا ما می توانیم در مسأله زیر را به یکدیگر بپردازیم؟ به این معنی که به هر

دو گزاره زیر باور داشته، هر دوی آنها را صادق بدانیم: «خداوند قادر است که هر

یکس این که: «خداوند در ازل، با علم قطعی خود، همه حوادث آینده را

می دانند